



علامه مغنیه؛ مفسری نوگرا و پیشگام در عرصه اصلاح حوزه و تقریب مذاهب

علامه شیخ «محمدجواد مغنیه» مؤلف تفسیر ارزشمند «الکاشف»، با رویکردی نوگرایانه به بررسی مسائل و موضوعات روز جامعه به‌ویژه برای نسل جوان و استخراج نظریه اجتماعی قرآن پرداخت و در این تفسیر، اصلاح در حوزه‌های علمیه و تقریب میان مذاهب اسلامی را مورد توجه قرار داد.

علامه شیخ «محمدجواد مغنیه« مؤلف تفسیر ارزشمند «الکاشف«، با رویکردی نوگرایانه به بررسی مسائل و موضوعات روز جامعه به‌ویژه برای نسل جوان و استخراج نظریه اجتماعی قرآن پرداخت و در این تفسیر، اصلاح در حوزه‌های علمیه و تقریب میان مذاهب اسلامی را مورد توجه قرار داد.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، علامه محمد جواد مغنیه، از نویسندگان متعهد و متفکر شیعی معاصر است که در سال 1324 هجری قمری در روستای «طیردبا« از توابع شهر «صور« لبنان متولد شد؛ وی افزون بر کتاب‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، کلامی و فقهی، دو تفسیر ارزشمند قرآن کریم دارد که یکی تفسیر «الکاشف« در 7 جلد به زبان عربی و دیگری تفسیر کوتاه در حاشیه قرآن به نام «المبین« است.

معرفی تفسیر الکاشف:

علامه مغنیه تفسیر الکاشف را میان سال‌های 1966 تا 1970 میلادی به مدت 4 سال نگاشته و در پایان جلد آخر می‌نویسد «حدود 4 سال پیوسته و به‌طور شبانه‌روز نوشتن این تفسیر طول کشید«؛ تفسیر الکاشف علامه مغنیه در هفت جلد به زبان عربی توسط انتشارات دارالعلم، در بیروت چاپ و منتشر شده است و «موسی دانش« از پژوهشگران و محققان مرکز پژوهش‌های آستان قدس رضوی این تفسیر را به زبان فارسی ترجمه کرده و توسط انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی مشهد مقدس به چاپ رسیده است. این اثر از جمله تفاسیر به رأی عقلی، اجتهادی و به شیوه ترتیبی است.

علامه مغنیه درباره انگیزه خود از تألیف تفسیر الکاشف می‌گوید: «تفسیرنویسی، هنری است که در شرایط زمانی و مکانی خاص شکل می‌گیرد. بدین روی تفسیر قرآن، با اختلاف زمان و دگرگونی شرایط دگرگون خواهد شد«. مرحوم مغنیه در آغاز تفسیر، مقدمه‌ای روشن‌گر در زمینه عظمت و ولایی قرآن، توقعات و نیازهای نسل جدید، اهداف تفسیر، روش و انگیزه نگارش تفسیر می‌نویسد و به نکات سودمند و آموزنده‌ای اشاره می‌کند.

شیخ محمدجواد مغنیه در تبیین مفاهیم تفسیری آیات، از انواع روش‌های تفسیری سود برده است، گاهی از روش تفسیر قرآن به قرآن و استخراج معانی آیات به کمک آیات مشابه که سیاق آن‌ها یکسان یا نزدیک هم است، استفاده کرده و از آن‌جا که تفسیر نقلی را می‌توان به عنوان اصیل‌ترین شکل تفسیر و ریشه‌دارترین طریق درک معانی و معارف آیات قرآن در میان دانشمندان اولیه علوم اسلامی به شمار آورد، مرحوم مغنیه در برخی موارد برای تفسیر آیات به سلسله احادیث و روایات تفسیری که از پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) درباره تفسیر قرآن وارد شده، استناد کرده است و کمتر صفحه‌ای را می‌توان یافت که به‌گونه‌ای استشهد به روایت و استناد به منابع روایی در آن دیده نشود.

سرویس عربی خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) در راستای فعالیت‌های سوژه‌محور خود، بررسی «تفسیر الکاشف« علامه شیخ محمدجواد مغنیه را در دستور کار قرار داد و در همین راستا، گفت‌وگوهایی با تعدادی از شخصیت‌های برجسته جهان اسلام همچون «ابن‌تسام عبدالکریم علی حسین المدنی«؛ رئیس دانشکده تربیت معلم کوفه و از بانوان قرآن‌پژوه عراقی، «شیخ جعفر المهاجر العاملی«؛ تاریخ‌نگار و پژوهشگر علوم اسلامی لبنان، حجت‌الاسلام والمسلمین «ابراهیم یعقوبیان«؛ کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث و محقق علوم اسلامی ایران، «علی رمضان الأوسی«؛ قرآن‌پژوه عراقی و مدیر بخش زبان عربی مرکز اسلامی لندن، آیت‌الله شیخ «محمد مهدی آصفی«؛ نماینده حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در حوزه علمیه نجف و از اساتید این حوزه، حجت‌الاسلام والمسلمین «علی محمودی«؛ سرپرست دانشکده اصول دین قم و پژوهشگر و صاحب‌نظر در عرصه علوم و تفاسیر قرآنی، حجت‌الاسلام والمسلمین «علی

العلی؛ نویسنده و پژوهشگر کوبیتی، «؛ عبدالأمیر کاظم زاهد؛ رئیس دانشکده علوم اسلامی کربلا و دارای درجه دکتری فقه تطبیقی اسلامی و حقوق بین‌الملل، آیت‌الله شیخ «؛ محمد باقر الناصری؛ از علمای بزرگ جنوب عراق و امام جمعه شهر ناصریه این کشور و آیت‌الله شیخ «؛ علی الکورانی العاملی؛ از علمای مبارز، ادیب، اندیشمند و متفکر شیعه لبنانی و از مدرسان حوزه علمیه قم و شمار دیگری از محققان و پژوهشگران علوم قرآنی به گفت‌وگو پرداخت و نظر این گروه درباره تفسیر الکاشف را جویا شد.

این تفسیر در قالب گفت‌وگو با کارشناسان و صاحب‌نظران در چهار محور «؛ روش تفسیری علامه مغنیه در الکاشف؛ «؛ علوم قرآنی در الکاشف؛ «؛ آرای فقهی و کلامی علامه مغنیه در الکاشف؛ و «؛ رویکرد تقریبی و نوگرایانه علامه مغنیه؛ بررسی شد که در گزارش زیر اهم دیدگاه‌ها در این باره به ترتیب محورهای ذکر شده بیان می‌شود.

روش تفسیری علامه مغنیه در الکاشف:

«؛ شیخ جعفر المهاجر العاملی؛ تاریخ‌نگار و پژوهشگر علوم اسلامی لبنان، درباره روش تفسیری علامه در تفسیر الکاشف می‌گوید: این سبک، اقناعی نامیده می‌شود و علامه مغنیه تلاش می‌کند تا خواننده را قانع سازد که آیات قرآن را بر احوال و اوضاع جامعه خود تطبیق دهد تا قرآن کریم مانند چراغ روشن‌کننده راه وی باشد و در نتیجه این کتاب آسمانی در مسائل روز جامعه معاصر برای هر فرد مسلمانی هدایتگر باشد.

وی ادامه داد: کاربردی‌کردن مفاهیم قرآن و مطابقت آن با واقعیت‌های روز جامعه از نظر علامه مغنیه به معنای یافتن مصادیق آیات قرآن در جامعه معاصر و جریان یافتن فیض قرآنی به همان شکلی که شب و روز در جریان همیشگی و دائمی هستند، است و این همان تفسیر جری یا تفسیر تطبیقی قرآن کریم است که علامه محمدجواد مغنیه در دوران معاصر آن را به اوج عظمت و زیبایی خود رساند.

تاریخ‌نگار و پژوهشگر علوم اسلامی لبنان:

کاربردی‌کردن مفاهیم قرآن و مطابقت آن با واقعیت‌های روز جامعه از نظر علامه مغنیه به معنای یافتن مصادیق آیات قرآن در جامعه معاصر و جریان یافتن فیض قرآنی به همان شکلی که شب و روز در جریان همیشگی و دائمی هستند، است و این همان تفسیر جری یا تفسیر تطبیقی قرآن کریم است که علامه محمدجواد مغنیه در دوران معاصر آن را به اوج عظمت و زیبایی خود رساند حذف نابایسته‌های تفسیری؛ مهم‌ترین ویژگی تفسیر الکاشف

«؛ محمد بهرامی؛ عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، نیز در مقاله‌ای با عنوان «؛ روش‌شناسی تفسیر الکاشف؛ می‌نویسد: حذف نابایسته‌های تفسیری از مهم‌ترین و برجسته‌ترین ویژگی‌های این تفسیر است که نویسنده الکاشف در این زمینه از ضوابط و قوانین خاصی پیروی می‌کند و بر اساس همین قواعد، بخش عمده‌ای از دیدگاه‌های مفسران را یادآور نمی‌شود، مهم‌ترین این ضوابط عبارتند از حذف تفاسیر برگرفته از اسرائیلیات که به باور مغنیه «؛ اسرائیلیاتی که در برخی از تفاسیر آمده خرافات و افسانه است و بزرگ‌ترین و درست‌ترین دلیل بر اثبات دروغ بودن و باطل بودن آن‌ها این است که به اسرائیل نسبت داده می‌شود؛ «؛.

«؛ عبدالامیر زاهد؛ رئیس دانشکده علوم اسلامی کربلا، نیز به صبغه آموزشی و هدایتی تفسیر الکاشف علامه شیخ محمدجواد مغنیه اشاره کرد و گفت: سبک نوشتاری، شیوه‌ای است که نوع شناخت و معرفت را مشخص می‌کند و سبک علامه مغنیه در الکاشف عبارت است از به‌کارگیری متن قرآن کریم برای شخصیت‌سازی، که به تبع آن، مستلزم پرورش حلقیات انسان است.

حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی رستم‌نژاد، قرآن‌پژوه، مدرس و عضو هیئت علمی جامعةالمصطفی(ص) العالمیه در قم نیز با بیان این که تفسیر «؛ الکاشف؛ علامه مغنیه در عین جامعیت، ایجازگونه است، الکاشف را یکی از موجزترین و در عین حال بهترین تفاسیر قرآن کریم در جهان اسلام می‌داند، البته نه ایجازی که مخل معنا و مقصود باشد، بلکه وی عصاره هر مبحثی را در الکاشف بیان کرده تا برای خواننده ملال‌آور نبوده و به راحتی قابل فهم باشد.

«؛ محمدرضا الشریف؛ مدیر مرکز ملی علوم قرآن بغداد وابسته به دیوان وقف شیعی عراق، تفسیر قرآن به قرآن را از شیوه‌های تفسیری علامه مغنیه در الکاشف می‌داند و معتقد است: وظیفه تفسیر قرآن به قرآن این نیست که تنها به فهم بهتر این کتاب الهی کمک می‌کند، بلکه رکن و اساس حکم الهی و هدف اصلی آن را بیان و روشن می‌کند و مقام و موقعیت مفسر را در تبیین و روشن کردن آیات نشان می‌دهد و همچنین، تفسیر قرآن به قرآن، یک مکتب اخلاقی و اصل اعتقادی است و مفسران پیشین براساس این شیوه و روش به تفسیر قرآن کریم پرداختند و اهل بیت (ع) نمونه‌های پویا و زنده‌ای از تفسیر قرآن به قرآن برای ما ارائه داده‌اند و در واقع مؤسسان این شیوه تفسیری هستند و برخی از علمای امت اسلام و مفسران از جمله علامه شیخ محمدجواد مغنیه

نیز به این روش روی آورده‌اند.

روش تفسیری قرآن به قرآن در الکاشف مشهود است

171#؛ ابوالحسن الخاقانی؛ اندیشمند و پژوهشگر عراقی، نیز با بیان این‌که روش تفسیری قرآن به قرآن در تفسیر الکاشف بسیار مشهود است، گفت: مرحوم مغنیه علاوه بر استفاده از آیات برای تفسیر آیات دیگر، با الهام از آموزه‌های مذهب تشیع، از احادیث اهل بیت (ع) نیز استفاده کرد.

171#؛ حیدر حب‌الله؛ اندیشمند و قرآن‌پژوه لبنانی و استاد سطح عالی حوزه علمیه قم، نیز در مقاله‌ای با عنوان 171#؛ معالم المنهج التفسیری عند الشيخ محمد جواد مغنیه؛ (ویژگی‌های روش تفسیری شیخ محمدجواد مغنیه) که آن را در اختیار خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) قرار داد، به بررسی و تحلیل اندیشه‌ها و افکار علامه مغنیه، ویژگی‌ها و خصوصیات تفسیری وی در تفسیر الکاشف و تفسیر المبین پرداخت و در این زمینه تأکید کرد: نوشته‌ها و تألیفات علامه مغنیه و حتی تفسیر الکاشف ویژگی کاربردی به خود گرفت، علامه مغنیه در آثار خود، خواننده خود را به مباحث تحلیلی سوق می‌دهد، به‌طوری که فرآیند تفسیری ایشان تأثیر زیادی از این رویکرد و روش پذیرفته است.

این استاد سطح عالی حوزه علمیه قم بر این نکته تأکید می‌کند که علامه مغنیه در تفسیر الکاشف، بخش اندکی را به مباحث لغوی و زبان‌شناسی مانند صرف و نحو اختصاص داد، اما با این وجود در هر مقطع تفسیری برای آیات قرآن، بخشی را به زبان و اعراب اختصاص داد؛ مرحوم مغنیه در تفسیر آیات، به سبک دیگر تفسیرها همچون 171#؛ تفسیر المیزان؛ علامه طباطبائی و تفسیر 171#؛ ظلال القرآن؛ سید قطب به بهره‌گیری از مجموعه‌ای از آیات قرآن استناد کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین 171#؛ علی محمودی؛ سرپرست دانشکده اصول دین قم و پژوهشگر و صاحب‌نظر در عرصه علوم و تفاسیر قرآنی، نیز معتقد است که علامه شیخ 171#؛ محمدجواد مغنیه؛ در تفسیر 171#؛ الکاشف؛ بر این باور بود که عنصر زمان و مکان در درک مفاهیم و تفسیر آیات قرآن بسیار تأثیرگذار است و بر همین اساس، قرآن را مناسب برای همه زمان‌ها و مکان‌ها می‌دانست و زمانی که جوانان، هدف فرهنگ بیگانه و هجوم استکبار جهانی قرار گرفته بودند، به نگارش تفسیر به زبان جوانان مبادرت کرد.

سرپرست دانشکده اصول دین قم:

مغنیه در تفسیر 171#؛ الکاشف؛ بر این باور بود که عنصر زمان و مکان در درک مفاهیم و تفسیر آیات قرآن بسیار تأثیرگذار است و زمانی که جوانان، هدف فرهنگ بیگانه و هجوم استکبار جهانی قرار گرفته بودند، به نگارش تفسیر به زبان جوانان مبادرت کرد الکاشف تفسیر ادبی - اجتماعی و برحسب ترتیب نزول سوره‌ها است

وی 171#؛ الکاشف؛ را تفسیری ادبی - اجتماعی و برحسب ترتیب نزول سوره‌ها دانست و تأکید کرد: تفسیر 171#؛ الکاشف؛ اثر ارزشمند و ماندگار علامه شیخ 171#؛ محمدجواد مغنیه؛ بوده که می‌توان آن را جزء تفاسیر ادبی - اجتماعی و موضوعی دانست که بر حسب ترتیب نزول سوره‌های قرآن کریم به نگارش درآمده است.

171#؛ عبدالأمیر کاظم زاهد؛ رئیس دانشکده علوم اسلامی کربلا، نیز بیان کرد: گرایش میان‌رویی که فضایی مشترک و مورد اتفاق نظر مکتب‌های تفسیری اسلامی است، در آثار و نوشته‌های علامه مغنیه نمایان شده و ایشان را از سایرین متمایز ساخته است و همین سبک نوشتاری و نوع گرایشی که علامه مغنیه داشته، باعث شده است که تفسیر ایشان در میان بیشتر مسلمانان مورد پذیرش واقع شود.

علوم قرآنی در الکاشف از دیدگاه صاحب‌نظران و کارشناسان:

حجت‌الاسلام والمسلمین 171#؛ علی‌العلی؛ نویسنده و پژوهشگر کویتی و مدیر منطقه‌ای دانشگاه 171#؛ کلمنتس؛ انگلیس در منطقه خلیج فارس درباره استفاده علامه مغنیه از علوم قرآنی در الکاشف اظهار کرد: علامه در تفسیر قرآن، همیشه منابع اصلی و مرتبط با وحی را به کار می‌برد و هیچ وقت به گفته‌ها و نظریات مراجع استناد نمی‌کرد، بلکه علامه مغنیه در تفسیر آیات قرآن کریم به قرآن و احادیث اهل بیت (ع) استناد کرد و از طریق این دو منبع، واقعیت را مورد بررسی قرار می‌داد.

علی‌العلی خاطرنشان کرد: علامه مغنیه در مورد اعجاز قرآنی، دیدگاه بسیار متفاوتی نسبت به دیگران دارد و در تفسیر الکاشف ثابت کرد که اعجاز قرآن در این است که می‌تواند مسائل و مشکلات معاصر را حل و فصل کند و برای حل و فصل آن‌ها قانون بگذارد و

صلاحیت داشتن قرآن کریم برای تمام زمان‌ها و مکان‌ها را اعجاز واقعی آن دانست.

171#؛ محمد رضا الشریف؛ مدیر مرکز ملی علوم قرآن بغداد نیز درباره بهره‌گیری از روایات و احادیث اهل بیت (ع) در فهم متن قرآن کریم در تفسیر الکاشف گفت: برخی از مفسران در استفاده از احادیث و روایات اهل بیت (ع) برای تبیین معانی و مفاهیم آیات قرآن کریم افراط می‌کنند و چیزی که علامه مغنیه را از دیگر مفسران متمایز ساخته، این است که ایشان در به‌کارگیری روایات از اهل بیت (ع) زیاده‌روی نکرده و تنها به استفاده از احادیث صحیح و درست بسنده کرده است و همچنین مرحوم مغنیه بر مفسرانی که در به‌کارگیری احادیث و روایات در زمینه احکام و سنت‌ها، سهل‌انگاری می‌کنند، خرده می‌گیرد.

نگرش مغنیه به آموزه‌های قرآن تحت قانون توسعه پایدار بود

171#؛ ابتهسام عبدالکریم علی حسین المدنی؛ رئیس دانشکده تربیت معلم کوفه، نیز معتقد است: علامه شیخ محمدجواد مغنیه بر این باور بود که تمامی علوم، زمانی می‌تواند مفید واقع شود که براساس چشم‌انداز توسعه پایدار و خدمت به نسل‌های حاضر و آینده باشد و بر همین اساس، نگرش ایشان به آموزه‌های قرآن کریم در الکاشف تحت قانون توسعه پایدار بود.

171#؛ حسن کریم ماجد الربیعی؛ استاد حوزه و دانشگاه در نجف اشرف، تأکید کرد: علامه شیخ محمدجواد مغنیه با داشتن دیدگاهی معاصر و به‌روز نسبت به قرآن کریم، به مسائل و مشکلات معاصر پاسخ می‌دهد و با تکیه بر قرآن کریم برای حل مسائل اجتماعی معاصر راه‌حل ارائه داده است.

آیت‌الله شیخ 171#؛ محمد مهدی آصفی؛ نماینده حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در حوزه علمیه نجف بر این باور است که علامه مغنیه در تفسیر الکاشف، به موضوعات و محورهای قرآنی زیادی می‌پردازد، به‌گونه‌ای که این محورها را با بهره‌گیری از زبانی ساده و روان توضیح می‌دهد و همچنین، بسیاری از فقها، علما و مفسران بر این باورند که علامه مغنیه مسائل و موضوعات قرآنی را به شیوه بسیار ساده و آسان توضیح و شرح می‌دهد.

نماینده مقام معظم رهبری در حوزه علمیه نجف:

علامه مغنیه در تفسیر الکاشف، به موضوعات و محورهای قرآنی زیادی می‌پردازد، به‌گونه‌ای که این محورها را با بهره‌گیری از زبانی ساده و روان توضیح می‌دهد و همچنین، بسیاری از فقها، علما و مفسران بر این باورند که علامه مغنیه مسائل و موضوعات قرآنی را به شیوه بسیار ساده و آسان توضیح و شرح می‌دهد
مرحوم مغنیه با بهره‌گیری از قرآن، برای حل و فصل مسائل جامعه سازوکار ارائه داد

171#؛ ابوالحسن الخاقانی؛ اندیشمند و پژوهشگر عراقی و معاون مسئول دفتر سیاسی مجلس اعلای اسلامی عراق، نیز معتقد است: علامه با توجه به شخصیت مسئولیت‌پذیری که داشت، در پی آن بود تا با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآن، برای حل و فصل بزرگ‌ترین مسائل جوانان و جامعه، سازوکار ارائه دهد تا با این کار علاوه بر آزاد ساختن ذهن جوانان از مکتب‌های فکری منحرف، به تمام شبهه‌هایی که به اسلام و قرآن کریم نیز وارد می‌شد، پاسخ دهد.

171#؛ سهیلا پیروزفر؛ استاد دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد مقدس، در مقاله خود با عنوان 171#؛ سیری در زندگی و مبانی تفسیری مغنیه؛ آورده است: کتاب 171#؛ الکاشف؛ علامه مغنیه تفسیری جامع است که مؤلف در آن، ابعاد مختلف آیات را مورد توجه قرار داده و حقایق ارزشمندی را در لابه‌لای آن عرضه کرده و در واقع دایرةالمعارف و دانش‌نامه‌ای است که مجموعه‌ای از علوم اسلامی را به‌صورت ساده و خلاصه در بردارد.

آرای فقهی و کلامی علامه مغنیه در الکاشف:

حیدر حب‌الله، اندیشمند و قرآن‌پژوه لبنانی، در مقاله خود با اشاره به رویکرد فقهی علامه مغنیه در الکاشف آورده است: شیوه تفسیری علامه مغنیه یک شیوه عرفی ممتاز است، به‌طوری که تلاش می‌کند که شیوه تفسیری خود را با فهم و عرف جامعه و نیز مباحث فقهی مطابقت دهد و به همین خاطر از تفسیرهای تحمیلی و پیچیده دوری می‌کند؛ برخلاف تفسیرهایی مانند تفسیر فخر رازی (قرن ششم هجری)، علامه مغنیه در تفسیر خود غرق در بحث‌های کلامی و فلسفی و منطقی نشد و از این مباحث تنها در حد نیاز و آنچه که مطابق با مقتضیات و فرهنگ نسل جوان بود، بهره برد، زیرا وی مخاطبان خود را بیشتر جوانان تلقی می‌کرد و بر این باور بود که جوانان به این بحث‌های پیچیده و طاقت فرسا اهمیت کمتری می‌دهند.

حسین علوی‌مهر، عضو انجمن قرآن‌پژوهی حوزه علمیه قم، خاطرنشان کرد: علامه مغنیه در الکاشف دیدگاه شیعه درباره مباحث فقهی را به طور راسخ مطرح می‌کند و در کنار این اعتقاد بدون این‌که به دیگر مذاهب اتهام وارد کرده یا توهین کند، دیدگاه این مذاهب را

مطرح می‌کند که نشان می‌دهد این تفسیر نقش تقریبی را به خوبی ایفا و عقاید شیعه را تثبیت کرده است.

171#& محمد بهرامی؛ عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم و نویسنده مقاله «؛ روش‌شناسی تفسیر الکاشف؛ در بخش دیگری از این مقاله می‌نویسد: مرحوم مغنیه به دیدگاه‌ها و باورهای مفسران گذشته پایبند نبود و در تفسیر الکاشف، نظریه‌های بسیاری از مفسران را به نقد می‌کشد و در نگاه نگارنده الکاشف، ظواهر آیات تا هنگامی که دلیل عقلی معتبری بر خلاف آن‌ها وجود نداشته باشد، حجت هستند و مفسران باید بر اساس ظاهر آیات، قرآن را تفسیر کنند و به باور مغنیه افزون بر سازگاری ظواهر آیات با عقل، سازگاری ظاهر آیه با شرایط و ویژگی‌های رویدادی که آیه از آن حکایت دارد، نیز ضروری است و بر این اساس نویسنده الکاشف در نقد و بررسی برخی دیدگاه‌های تفسیری از ظاهر آیات به‌عنوان معیار درستی و نادرستی نظریه تفسیری سود می‌جوید.

علامه شیخ «؛ حسین المصطفی؛ استاد حوزه علمیه قطیف، نیز تأکید کرد: سبک نوشتاری مغنیه در الکاشف، آن را تفسیری دینی هدفمند برای جوانان کرده است که آنان را مستقیماً خطاب قرار می‌دهد، اما با این وجود نمی‌توان گفت که تفسیر الکاشف گامی پیشرفته و کامل در زمینه تفسیر است. هرچند گروهی بر روش ساده و زبان نوشتاری علامه مغنیه خرده گرفتند و مدعی بودند که استعمال این زبان و واژگان ساده در برخی علوم به ویژه علوم حوزوی، علم اصول و فقه انسان را مضطرب می‌کند، بنابراین علامه مغنیه در تفسیر الکاشف در فرآیند آسان‌سازی برخی افکار و دیدگاه‌ها مبالغه کرده است، به‌طوری که برخی مواقع از مثال‌های روزمره استفاده می‌کند که به روش روزنامه‌نگاری نزدیک‌تر است و علامه مغنیه به شیوه خود قرآن که آسان و قابل فهم برای همگان است، به بررسی موضوعات می‌پردازد.

علامه شیخ «؛ علی‌حسن خازم؛ نویسنده و پژوهشگر شیعی لبنان و عضو مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، نیز آراء فقهی و کلامی در الکاشف را این گونه تبیین کرد: علامه شیخ «؛ محمدجواد مغنیه؛ با هدف خدمت به زندگی بشر به بررسی مسائل فقهی در تفسیر «؛ الکاشف؛ می‌پردازد و در این راستا، با بررسی و مقایسه آرای فقه‌ها، تنها به ذکر نظریات کاربردی بسنده می‌کند.

علامه شیخ «؛ علی‌حسن خازم؛ افزود: مرحوم مغنیه در تفسیر الکاشف، فقه را با دید خدمت به زندگی بشر به‌کار می‌برد و در این روش به بررسی آرای مقایسه‌ای فقه‌ها درباره مسائل فقهی می‌پردازد و وجوه مختلف این مسئله را از دیدگاه قرآن کریم، روایات و سنت نبوی(ص) بررسی می‌کند.

وی گفت: مرحوم مغنیه همچنین، اجماع فقه‌ها را بر ظواهر آیات ترجیح می‌دهد، همان‌طور که روش تفسیری ایشان در تفسیر آیه 282 و 283 سوره بقره به روش فلسفه فقه است، هرچند ایشان به این مسئله تصریح نکرده و زیاد به آن نپرداخته است و نیز در تفسیر آیات احکام به مقداری که هدف ایشان را در تفسیر کمک می‌نماید، بسنده کرده و بحث در باب این موضوعات را به کتب فقهی خود ارجاع می‌دهد.

عضو هیئت علمی جامعة المصطفی(ص) العالمیه:

علامه مغنیه در الکاشف دیدگاه شیعه درباره مباحث فقهی را به طور راسخ مطرح می‌کند و در کنار این اعتقاد بدون این‌که به دیگر مذاهب اتهام وارد کرده یا توهین کند، دیدگاه این مذاهب را مطرح می‌کند که نشان می‌دهد این تفسیر نقش تقریبی را به خوبی ایفا و عقاید شیعه را تثبیت کرده است
مغنیه عقاید خرافی را رد و بر پایه‌های علمی، آیات را تفسیر می‌کند

حجت‌الاسلام والمسلمین موسی دانش، مترجم تفسیر «؛ الکاشف؛ علامه مغنیه به زبان فارسی و از محققان و قرآن‌پژوهان مرکز پژوهش‌های آستان قدس رضوی در مشهد مقدس، تأکید کرد: تفسیر «؛ الکاشف؛ علامه شیخ محمدجواد مغنیه و تفسیر «؛ المیزان؛ علامه طباطبائی دو اثر ارزشمندی هستند که عقاید خرافی را رد و بر پایه‌های علمی، آیات قرآن را تفسیر می‌کنند و در هر دو، قرآن نه به‌عنوان کتابی صرفاً دینی، بلکه به عنوان یک قانون اجتماعی معرفی می‌شود. به نظر من الکاشف، بهترین تفسیر برای آشنایی با قرآن کریم است؛ زیرا تفسیری چند بعدی است که به صرف و نحو، مسائل سیاسی، اجتماعی و تاریخی توجه می‌کند و شبهات قرآنی در این کتاب هنرمندانه پاسخ داده شده که حتی می‌توان این شبهات را به صورت کتابی مستقل تألیف کرد.

حسین علوی‌مهر، عضو انجمن قرآن‌پژوهی حوزه علمیه قم و عضو هیئت علمی جامعة المصطفی(ص) العالمیه، درباره تفکر علامه مغنیه مبنی بر تجدیدنظر در مسائل فقهی براساس مصالح عام، خاطرنشان کرد: این دیدگاه ارزنده و قابل طرح در محافل علمی است و حضرت امام خمینی(ره)، نیز تأکید داشتند زمان و مکان و نیازمندی‌های عصر ما، اقتضائاتی دارد که ایجاب می‌کند نسبت به مسائل فقهی و اصولی دقت بیشتری داشته باشیم و متناسب با زمان حرکت کنیم، علامه مغنیه نیز بر این اساس حرکت می‌کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین ابراهیم یعقوبیان، کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث و محقق علوم اسلامی بیان کرد: علامه 171#& محمدجواد مغنیه؛ در تفسیر ارزشمند 171#&؛ الکاشف؛ هر جا می‌خواهد مبحثی فقهی را ذکر کند، با بهره‌بری از 171#&؛ فقه مقارن؛ آرای علمای اهل تسنن را در کنار دیدگاه علمای شیعه مطرح و احکام قرآن را تفسیر می‌کند.

171#&؛ ابتهسام عبدالکریم علی حسین المدنی؛ رئیس دانشکده تربیت معلم کوفه، نیز در رابطه با این موضوع اظهار کرد: مرحوم مغنیه بر این باور بود که اگر تاریخ فقه، دقیق و جامع و با افقی جدید بررسی شود، به نوبه‌ی خود بر مجتهد و فقیهی که خواهان نوشتن درباره موضوعات فقهی و یا صدور فتوا در این زمینه است، تأثیر خواهد گذاشت و این محقق در مقابل خود، روش و دیدگاه منسجم و نوگرایانه‌ای می‌بیند و از تاریخ فقه اسلامی برای تدوین فقهی جدید که متناسب با عصر و نوآوری‌های آن باشد، بهره می‌برد.

پرداختن به وحدت اسلامی و تقریب مذاهب در الکاشف:

حجت‌الاسلام ابراهیم یعقوبیان درباره رویکرد تقریبی و نوگرایانه علامه مغنیه تأکید کرد: مرحوم مغنیه معتقد است امت اسلامی و مسلمانان از هر رنگ و نژادی را سه اصل مشترك ایمان به خدا، قرآن کریم و کعبه به هم پیوند می‌دهد و برای تحقق وحدت تمامی ادیان، باید حقوق متقابل را رعایت کرد، مسئله‌ای که علمای دین مروج آن بوده و تأکید داشتند تفرقه هیبت و شوکت جامعه اسلامی را از بین خواهد برد.

171#&؛ حسن عیسی الحکیم؛ رئیس مؤسسه دینی - فرهنگی 171#&؛ التراث النجفی؛ عراق، نیز درباره دیدگاه علامه مغنیه در مورد وحدت و همدلی میان مسلمانان، گفت: علامه با پیروی از آموزه‌های مذهب تشیع همواره مسلمانان را به گفت‌وگو و اتحاد دعوت می‌کرد. ایشان اصول هم‌زیستی مسلمانان را از مذهب تشیع و رفتار اهل‌بیت(ع) الهام می‌گرفت؛ زیرا ائمه اطهار(ع) همواره با کمک به مردم و ترویج ارزش‌های بخشش و تسامح بین مسلمانان، پل‌های مستحکمی را برای ایجاد ارتباط میان مسلمانان فراهم می‌آورد.

وی اضافه کرد: وحدت اسلامی مسئله مطلوب و هدف بزرگی بوده که علما از گذشته به دنبال تحقق آن بوده‌اند و در تاریخ اسلام همواره نقل می‌شده که مناظره‌هایی میان علما برای از بردن اختلافات بوده است، اما در زمینه دیدگاه علامه مغنیه در مورد وحدت اسلامی، مسئله اساسی این است که هدف ایشان از طرح مفهوم وحدت اسلامی، از بین بردن اختلافات موجود در میان مسلمانان بود و نه توافق کامل و یکی شدن آن‌ها، علامه همواره در پی تحقق وحدت کلمه مسلمانان و از بین بردن اختلافات موجود در میان آنان بود.

آیت‌الله شیخ 171#&؛ محمد باقر الناصری؛ امام جمعه شهر ناصریه عراق، تأکید کرد: تلاش‌های علامه در جهت تحقق وحدت اسلامی ثمره‌های بسیاری داشت که از جمله آن می‌توان به انتشار يك دائرةالمعارف اسلامی در مصر اشاره کرد که این دائرةالمعارف حاوی موضوعاتی در مورد اهل بیت(ع) است.

وی خاطرنشان کرد: علامه مغنیه همچنین، پرچمدار وحدت اسلامی و از مهم‌ترین دعوت‌کنندگان به اتحاد به شمار می‌آید؛ ایشان پس از رایزنی‌های بسیار با شیخ وقت الأزهر توانست رویکرد و خط مشی واحدی را میان علمای اهل تسنن و علمای شیعه برقرار سازد که تبعیت از این خط مشی واحد، برای سه دهه ادامه داشت.

امام جمعه شهر ناصریه عراق:

علامه مغنیه پرچمدار وحدت اسلامی و از مهم‌ترین دعوت‌کنندگان به اتحاد به شمار می‌آید؛ ایشان پس از رایزنی‌های بسیار با شیخ وقت الأزهر توانست رویکرد و خط مشی واحدی را میان علمای اهل تسنن و علمای شیعه برقرار سازد که تبعیت از این خط مشی واحد، برای سه دهه ادامه داشت

مدیر مرکز ملی علوم قرآن بغداد علامه معتقد است: شیخ محمدجواد مغنیه بر ضرورت آزاد ساختن اسلام از قید و بندهای فرقه‌ای، مذهبی و نژادی تأکید داشته است و خود علامه مغنیه اولین کسی بود که دست به این کار زد و این شیوه به وضوح در نوشته‌ها و آثار ایشان دیده می‌شود و همچنین، ایشان بر اهمیت نقش اساسی مدارس و نهادهای مدنی غیروابسته به دولت در جهان اسلام در نشر اسلام پویا بسیار تأکید کرده است.

علامه مغنیه رابطه بسیار مستحکمی با الأزهر داشت

آیت‌الله شیخ 171#&؛ علی الکورانی العاملی؛ از علمای مبارز، ادیب، اندیشمند و متفکر شیعه لبنانی و از مدرسان حوزه علمیه

قم، نیز بر این باور است: علامه مغنیه با شخصیت‌های مطرح اهل تسنن ارتباط داشت و در نشست‌های مختلف آنان حاضر می‌شد و به بحث و تبادل نظر با آن‌ها می‌پرداخت. ایشان رابطه بسیار مستحکمی با دانشگاه الازهر در مصر داشت و گاهی حتی با علمای وهابی که علیه تشیع تبلیغ می‌کردند و شبهه‌هایی را به اندیشه شیعیان وارد می‌کردند، می‌نشست و به بحث و گفت‌وگو می‌پرداخت، از این رو دعوت به وحدت اسلامی در سراسر اندیشه علامه محمدجواد مغنیه که در تفسیر الکاشف منعکس می‌شود، نمایان است، علامه برای تحقق وحدت اسلامی تلاش می‌کرد تا با تمام مذاهب اسلامی ارتباط برقرار کند.

«حسین علوی مهر؛ عضو انجمن قرآن‌پژوهی حوزه علمیه قم و عضو هیئت علمی جامعة المصطفی (ص) العالمیه، نیز معتقد است: علامه مغنیه در تفسیر الکاشف عامل تضعیف مسلمانان را اختلاف فرقه‌ها و مذاهب اسلامی می‌داند، وی در کتاب «الفقه علی المذاهب الخمسه؛ نگاه تقریبی بین مذاهب را مطرح کرده و این نوع نگاه در الکاشف نمایان است.

در پایان این گزارش، با نگاهی دوباره به تفسیر الکاشف و با توجه به نظرات مطرح شده در می‌یابیم که الکاشف در زمره بهترین تفاسیر برای آشنایی با قرآن کریم است و تأثیر به‌سزایی در جذب مخاطب به‌ویژه جوانان دارد؛ مسأله‌ای که مسئولان را بر آن خواهد داشت تا تلاشی مضاعف برای شناساندن الکاشف به جویندگان کلام وحی آغاز کنند و شاید ترجمه این تفسیر به زبان‌های زنده دنیا مهم‌ترین اقدام در این زمینه باشد.

همچنین، با بررسی تفسیر «الکاشف؛ می‌توان به این نکته پی برد که مرحوم مغنیه در این تفسیر، بسیار تحت تأثیر مسائل سیاسی و اجتماعی قرار دارد و تلاش می‌کند که آیات قرآن را با توجه به مقتضیات و مسائل روز جامعه تفسیر کند و بر طرح مسائلی چون دسیسه‌های اسرائیل در تحریف اسلام و قرآن می‌پردازد؛ به گونه‌ای که تنها افشاگری‌های وی درباره بنی‌اسرائیل، کتاب «اسرائیلیات القرآن؛ را شکل داده است.